

ویژه ماه مبارک رمضان (۱)

گاهنامه سخن هادی



ویژه ماه مبارک
رمضان

گاهنامه سخن هادی

بحران کرونا،

افزایش گرایشات منجی گرایانه و وظایف مومنان

بحران کرونا،

افزایش گرایشات منجی گرایانه و وظایف مومنان

رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در بیانات اخیرشان به مناسبت ولادت امام زمان (عج) فرمودند: «شاید در تاریخ بشر کمتر دوره‌ای اتفاق افتاده باشد که آحاد بشری، جامعه‌ی بشری در همه جای عالم، به قدر امروز احساس نیاز به یک منجی داشته باشند - چه نخبگان که آگاهانه این نیاز را احساس می‌کنند، چه بسیاری از مردم که احساس نیاز می‌کنند ولی در ناخودآگاه خودشان - احساس نیاز به یک منجی، احساس نیاز به مهدی، احساس نیاز به یک دست قدرت الهی، احساس نیاز به یک امامت معصوم، احساس نیاز به عصمت، به هدایت الهی؛ در کمتر دوره‌ای از تاریخ، انسان این همه احساس نیاز به این حقیقت والا سراغ دارد.»^۱

طرح مسئله

عقیده به ظهور یک نجات‌دهنده بزرگ آسمانی و امید به یک آینده روشن که در آن نگرانی‌ها و هراس‌ها برطرف شده و به برکت ظهور یک شخصیت ممتاز الهی همه تاریکی‌ها از پهنه گیتی برچیده و ریشه ظلم و تباهی از روی کره زمین برکنده شود، یک اعتقاد عمومی ثابت است که همواره در همه زمان‌ها و مکان‌ها بین تمام ملت‌ها شایع و رایج بوده است. مروری بر تاریخ این نکته را مورد تأکید قرار می‌دهد که عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر الهی و آمدن مصلحی در آخرالزمان به نام منجی موعود جهانی به قدری اصیل و ریشه‌دار است که در اعماق دل ملت‌ها و پیروان همه ادیان و تمام اقوام و ملل جهان جا گرفته، به طوری که در طول تاریخ بشریت، انسانها در فراز و نشیب‌های زندگی، با یادآوری ظهور چنین رهبری مقتدر، پیوسته خود را از یأس و ناامیدی نجات داده و در انتظار آن مصلح موعود جهانی در پایان جهان لحظه شماری می‌کنند. در بین ادیان مختلف این مسئله مشترک است که پیش از آمدن موعود تحولاتی در دنیا رخ می‌دهد. در شرایط کنونی که دنیا با شیوع بحران و بیماری عالم‌گیر کرونا مواجه شده، به نظر می‌رسد گرایشات منجی‌گرایانه و احساس نیاز به منجی موعود در مردم جهان با ادیان و تفکرات مختلف رشد و رواج بیشتری نسبت به قبل یافته و به این سوال و اندیشه جدی مجال بروز داده است که؛ آیا آمدن منجی موعود نزدیک است؟

منجی‌گرایی در ادیان توحیدی و مکاتب مختلف

طبیعت انسان این است که در بحران‌ها و بن‌بست‌ها به صورت فطری متوجه خدا و اولیای خدا می‌شود و دست به دعا بر می‌دارد. مسیحی متوجه حضرت مسیح می‌شود، یهودی متوجه ماشیح می‌شود و شیعیان هم متوسل به امام

۱ - بیانات مقام معظم رهبری در (۱۳۹۹/۱/۲۱) به مناسبت نیمه شعبان

عصر (عج) می‌شوند. ولی این را باید توجه کرد که حالت اضطرار مقطعی است و گرچه این عنصر بیدارکننده و هشداردهنده است، ولی تا نهادینه شدن در ذات انسان به این معنا که دائماً متوجه خدا و ولی خدا باشد، راه زیادی در پیش دارد.

همه ادیان جهان به گونه‌ای معتقدند که هرگاه بشر به لحاظ معنوی و اخلاقی پا در انحطاط و ورطه هلاک بگذارد و از مبدأ هستی فاصله بگیرد و جهان را تاریکی جهل، غفلت و ستم در برگیرد، شخصیتی نجات‌دهنده ظهور خواهد کرد. و این اصل به مثابه یک اصل مسلم، مورد قبول واقع شده است. شور و التهاب انتظار موعود آخرالزمان، در تاریخ پرفراز و نشیب این ادیان موج می‌زند.

تصور آخرالزمان به معنی پایان دوره جهان و پیوستن آن به قیامت کبری در دین یهود از سده‌های دوم و سوم قبل از میلاد پیدا شده، پیش از این زمان بنی اسرائیل که خود را قوم برگزیده خداوند می‌دانستند، در انتظار روزی بودند که در آن وعده الهی تحقق یابد و خداوند قوم برگزیده خود را در سرزمین موعود مستقر، و دشمنان آن را نابود کند، و عدل و احسان خود را بر سراسر جهان بگستراند. در دین مسیح نیز نظریاتی که درباره آخرالزمان در چهار انجیل آمده است؛ هر چند یکسان نیست ولی به طور کلی وقوع آخرالزمان با مضامینی چون آمدن الیاس پیش از آمدن مسیح^۱ و ظهور او و تحقق رستاخیز^۲ و همچنین رجعت حضرت عیسی (ع)^۳ بدون هیچ علامتی^۴ و همین طور بروز جنگ‌ها و بلاهایی سخت و زلزله بیان شده است. انجیل یوحنا نویدهای جالب و جامعی درباره منجی و موعود آخرالزمان دارد؛ آمدن شخصی برای اصلاح جامعه بشری و تشکیل حکومت جهانی به عنوان نجات‌بخش و عباراتی از این قبیل در کتب مقدس دیده می‌شود.

در آیین زرتشت در گاهان (گاتها) که سروده‌های خود زرتشت است و در آنها می‌توان عقاید وی را یافت اشاره چندانی به پایان جهان نشده است، اما چنین می‌نماید که در بندی از آن سخن از مردی است که در آینده می‌آید و راه نجات را می‌یابد و منجی نهائی زرتشتی به شمار می‌آید.^۵

در کتاب‌های مقدس آیین هندو، از منجی موعودی به نام «کلکی» سخن گفته اند. کلکی، آخرین تجسم زمینی ویشنو، یکی از سه خدای بزرگ هندوئی است که در آخرالزمان برای نجات دین و کمک به مومنان تجسد پیدا خواهد کرد. در آیین هندو یک منجی موعود شخصی در آخرالزمان پیش‌گویی شده است که در پایان عصر کنونی که عصر تاریکی نامیده می‌شود؛^۶ خواهد آمد. در آیین بودا هم موعود نجات بخش صرفاً کارکرد معنوی دارد، در واقع در آیین

۲ - عهد جدید، مرقس، ۱۳، ۱۱:۹

۳ - عهد جدید، مرقس، ۲۷، ۴:۱۳

۴ - عهد جدید، مکاشفه یوحنا، باب ۶

۵ - عهد جدید، متی، ۱۳، ۱:۲۵

۶ - یشت ۱۹، بندهای ۸۸، ۹۶

۷ - www.tebyan.net

بودا، اندیشه منجی موعود با مفهوم «میتریه به معنای مهربان» تبیین می گردد. در نمادنگاری بودایی، او را به هیأت مردی نشسته که آماده برخاستن است، نمایش می دهند تا نمادی باشد از آمادگی وی برای قیام!

اندیشه نجات بخشی و اشاره به موعودی که در پایان جهان خواهد آمد و نظامی همسان با دستورهای خداوند خواهد ساخت، در همه ادیان وجود دارد. اما اینکه این موعود کیست، چه موقع و کجا ظهور خواهد کرد، از جمله مسائل مورد اختلاف می باشد. آنچه مشترک است این است که نجات دهنده آخرالزمان از خاندان نبوت و دارای همه صفات پسندیده است.

همه ادیان با عبارات و شیوه های واحدی از ویژگی های عصر انتظار یاد کرده اند. سبب این همسانی این است که در همه دوران ها و برای همه مردم، ستم، کینه و جنایت ناپسند بوده است. از این رو، انتظار جامعه ای بدون ظلم و تصور جامعه آرمانی از گذشته های دور تاکنون اندیشه بسیاری از دانشمندان و محققان بوده است. به گونه ای که هر یک از آنان طرحی جداگانه برای ایجاد جامعه آرمانی تدوین نموده است. طرح این گونه مسائل از سوی دانشمندان گوناگون و ریشه یابی آن در ادیان مختلف مانند یهود، مسیحیت و زرتشت و حتی مسلک هایی همچون برهما و بودا نشانه این است که تقاضای زندگی در یک جامعه آرمانی خالی از ظلم و ستم ریشه در نهاد بشریت دارد. اما آنچه تمام این طرح ها را غیر عملی نموده، این است که آنها واقع بینانه و همراه با ارائه روشن نیستند، بلکه فقط یک جامعه آرمانی را به تصویر کشیده اند نه راه و روش رسیدن به آن را. همچنین هدف هایی برای این طرح ها تعیین نشده است تا بدان وسیله اراده و شور و خواست مردم را برانگیزد و آنان را به تغییر اوضاع و احوال موجود مایل گرداند. تنها طرحی که دارای این خصایص می باشد، اسلام است.

اندیشه منجی موعود در دین اسلام و مذهب شیعه یک اصل اعتقادی است، چرا که در زمره اصل امامت قرار می گیرد و ظهور فردی از سلاله ائمه اطهار (ع) و از فرزندان حضرت زهرا (س) از همان صدر اسلام نوید داده شده است. شاید در هیچ دینی به اندازه اسلام و آن هم در قرآن از آمدن منجی آخرالزمان و به اعتقاد ما مسلمانان مهدی موعود (عج) صحبت به میان نیامده باشد. قرآن، مهدویت و حکومت صالحان بر روی زمین را در آیات چندی مورد تاکید قرار داده است. خداوند در قرآن می فرماید: «ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون»^۸ و به یقین در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را از شرک و گناه پاک خواهیم ساخت و بندگان شایسته من آن را به ارث خواهند برد. و یا در سوره قصص می خوانیم: «و نرید ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین»^۹ ما می خواستیم کسانی را که در زمین به استضعاف کشیده شده بودند، نعمتی گران سنگ عطا کنیم؛ آنان را پیشوایانی قرار دهیم که از ایشان پیروی شود و مواهبی را از آن ایشان کنیم. در روایاتی از حضرت زهرا (س) آمده است: «من المحتوم الذی حتمه الله، قیام قائمنا. فمن شک فیما اقول، لقی الله و هو به کافر، و

له جاحد» از وعده های حتمی خدا قیام قائم ماست، هر کس در این گفتار شک و تردید به خود راه دهد، خدا را به حال کفر و انکار ملاقات می کند.^{۱۰}

فراوانی آیاتی از این دست و روایات و احادیثی که درباره اصل ظهور حضرت مهدی (عج) در قرآن و کتب اسلامی وجود دارد، مساله ظهور منجی آخرالزمان را در ادیان دیگر در مقایسه با اسلام حداقل در بین ما مسلمانان کمرنگ نموده است تا جایی که گاهی اوقات فراموش می کنیم که ادیان دیگر نیز به آن معتقدند. شاید چنین تصویری بیشتر از آنجا نشأت گرفته باشد که ما خود را در مقابل دنیایی احساس می کنیم که آن را دنیای غرب می نامیم و غریبان عموماً بیش از آنچه در مسائل معنوی و الهی پیشقدم باشند در مسائل مادی پیشتاز بوده اند و حتی متأسفانه چهره های کاملاً مادی را از خود ارائه کرده اند که برای عده کثیری این تصور را به وجود آورده که معنویت هیچ جایگاهی در غرب ندارد. اما مساله این چنین هم که از ظواهر امر برمی آید، نیست و امروز ما شاهد آن هستیم که در همین غرب سر تا پا مادی و غرق در مادیات و ظواهر حیوانی زندگی، گرایش شدیدی نسبت به مسائل معنوی و حتی منجی گرایی آن هم با تبلیغات همه جانبه به چشم می خورد. گویا غرب هم از راهی که رفته پشیمان شده و قصد بازگشت دارد و در این بازگشت و رویکرد، معنویت و در راس آن منجی گرایی را به عنوان یک وسیله تنبه، تذکر و تزکیه به کار گرفته است. بدین ترتیب اعتقاد مشترک به آمدن منجی موعود و بنیان گذار حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی، در ابعاد بسیار گسترده در کتب مقدسه و ادیان بزرگ به چشم می خورد و در این دنیای تاریک از ظلم و فساد دروازه های را به سوی نور امید و نوید ظهور مصلح جهانی بر دل جهانیان می گشاید.

مواجهه آمریکا و هالیوود با تفکر آخرالزمانی

در تلاطم حوادث پی در پی سال های گذشته در جهان نیز شاهد بودیم که وقوع آن اتفاقات، کفار را به تفکر آخرالزمانی واداشته و متفکران نحله های فکری را با عزمی راسخ به میدان آورده تا آخرالزمانی را که به آن معتقد هستند را با آموزه های آن در افکار جهانی پیاده کنند. در کشور ما نیز هر چند آن گونه که شایسته ملت ایران و رسانه ملی است، اتفاق خاصی نیفتاده است اما متولیان فرهنگی و صاحبان رسانه می بایست تلاش بیشتری نمایند تا در این روزها و شب های کرونایی که همه مردم جهان با احساسی آخرالزمانی، هر یک به فراخور فهم و درک خود، یکدیگر را دعوت به دوری از غفلت و روی آوردن به سوی ارزش های آسمانی می کنند، مردم را یاری نمایند؛ چرا که هنر و رسانه ابزارهایی هستند که برای زمینه سازی ظهور امام زمان (عج) به آنها نیاز داریم. در این بین سینما و تلویزیون سهم بسزایی در فرهنگ سازی و ترویج مفاهیم دینی و فرهنگ مهدویت بر عهده دارد.

در طول سالیان متمادی سینمای آمریکا و غرب کاملاً هوشمندانه و هدفمند به دنبال انحصاری کردن آخرالزمان بر اساس سبک و سیاق خود بوده است و با پخش فیلم های سینمایی به نوعی ناجی بودن خود را برای مردم دنیا القا کرده است. این فضا سازی در فیلم های متعدد آخرالزمانی هالیوود زمینه ای شد برای «انگاره سازی» در ذهن مخاطب برای پذیرش مدیریت جهانی در آخرالزمان. آنها حتی با استفاده از هوش های مصنوعی که در شبکه های مجازی به کار

۱۰ - سلیمان، کامل، روزگار رهایی، نشر آفاق، ص ۹۰.

گرفته‌اند، علایق و سلايق مردم را به دست آورده و خوراک متناسب با آن را در راستای دشمنی بیشتر فراهم کرده‌اند. اما امروزه با اتفاقات اخیر تمامی سیاست‌های اعمالی پیچیده شده و با توجه به افزایش مبتلایان در غرب، ملت‌های مختلف دنیا خوب فهمیده‌اند که سیاست‌های آمریکا در خصوص القامنجی بودنش در آخرالزمان بر باد رفته است و باید به دنبال ناجی واقعی باشند فلذا در این راستا رسانه‌های ارزشی و اسلامی کشورهای جهان نقش بسیار مهمی دارند. چندی پیش برخی رسانه‌های غربی خبر از برخورد شهاب سنگ با کره زمین را مطرح کردند و مدعی شدند که این شهاب سنگ می‌تواند نسل بشریت را از بین ببرد آنها اعلام کردند بر اساس اطلاعات دقیق سازمان فضایی آمریکا(ناسا)، شهاب سنگی به قطر بیش از چهار کیلومتر با سرعت بیش از ۳۱ هزار کیلومتر بر ساعت در حال نزدیک شدن به زمین است. و اگر این شهاب سنگ به زمین برخورد کند یک ویرانی گسترده و احتمالاً انقراض تمدن بشری را در پی خواهد داشت. و حتی زمان برخورد را نیز مشخص کردند و مدعی شدند که این شهاب سنگ در آخر آوریل ۲۰۲۰ (اوایل اردیبهشت ۹۹) به نزدیکی زمین می‌رسد!^{۱۱}

این بار این سناریوی علمی توسط ناسا و نهادهای نجومی غرب منتشر می‌شود و موجی از وحشت آخرالزمانی را ایجاد می‌کند. پس از انتشار این خبر و ایجاد رعب و وحشت، بیان می‌شود که این شهاب سنگ به کره زمین برخورد نخواهد کرد و از فاصله بیش از شش میلیون کیلومتری زمین عبور خواهد کرد که فاصله‌ای حدود شانزده برابر فاصله زمین تا ماه است. این خبر همزمان با شیوع کرونا در رسانه‌ها منتشر می‌شود و در خبرگزاری‌ها و صدا و سیمای ایران هم بازتاب پیدا می‌کند. البته به طور غیر محسوسی ناسا و آمریکا با تبیین دقیق فاصله عبور این شهاب سنگ از کنار زمین، ملجأ اعتماد و ایمان مخاطب و منجی زمین می‌شود و حتی برخی در جامعه مسلمان و شیعه ایرانی نیز به آن توجه نشان می‌دهد و در این میان، حتی رسانه‌های ایران نیز هیچ اشاره‌ای به مخالفت این احتمالات به اصطلاح علمی با باورهای یقینی دینی و وعده حق الهی نمی‌کنند! بر اساس این اتفاقات گویی اساساً سرنوشت محتوم بشر آن چیزی است که غرب با پشتوانه علم تجربی و هژمونی و سلطه‌ای که به واسطه آن به وجود آورده است، ارائه می‌دهد و لذا تنها همین مسیر هم می‌تواند این سرنوشت محتوم را نفی کند و یا تغییر دهد.

انگاره آشنای آخرالزمانی برخورد شهاب سنگ با زمین و احتمال نابودی آن و به میدان آمدن ناسای آمریکا در قامت منجی، یعنی آنچه سال‌ها توسط هالیوود در غالب سناریوی ده‌ها فیلم طراحی شده است تا برای جهانیان باورپذیر شود و در شرایط وحشت و ترس، به ذهن آنها متبادر شود، حاصل سناریوی چندین و چند فیلم هالیوودی از جمله فیلم سینمایی آرمادگدون (Armageddon) ساخته آمریکا در سال ۱۹۹۸ میلادی است که با همکاری ارتش آمریکا و سازمان فضایی ناسا با هالیوود ساخته شده است. و با ارائه انگاره ترس آخرالزمانی برخورد شهاب سنگ‌ها، به مخاطب خود القاء می‌کنند که برای فهم و تحلیل حادثه و رهایی از آن دست به دامان آمریکا و ناسا شوند. نکته جالب اینجاست که حتی برخی سیاسیون در داخل کشور نیز با مخالفت در خصوص قرنطینه به دنبال ارتباط گیری عمیق با کشورهای

^{۱۱} www.go2tr.com - www.fararu.com

^{۱۲} www.mashreghnews.ir/news

غربی بودند. چرا که معتقدند تنها راه نجات از دست ویروس کرونا دستیابی به امکانات و تکنولوژی کشورهای اروپایی و غربی است اما ورود این ویروس ناخوانده به اروپا و آمریکا همه چیز را به هم ریخت و آمریکای ناجی بشریت را تبدیل به یک کشور منفعل و وحشی در برابر این ویروس قرار داد.

در این سناریوی آخرالزمانی برخلاف سناریوهای هالیوودی، ورق کاملاً بر می گردد و جای سیاه و سفید عوض می شود. برای شسته شدن انگاره های آخرالزمانی صهیونیسم، جهان بشریت به این ویروس مبتلا می شود تا بت های ساخت بشر، منجی های دروغین غربی با ادعای مدیریت جهانی و هژمونی رسانه ای و... در هم شکسته شود و جهان در نهایت درماندگی و اضطراب، رو به سوی منجی حقیقی بنماید.

در این سناریو اساساً امکان ندارد که زمین قبل از ظهور منجی الهی نابود شود و هرگونه احتمالی در مقابل این وعده قطعی و یقینی الهی محکوم به بطلان است. لذا ممکن است شهاب سنگ یا زلزله یا بیماری فراگیر از ابتلائی باشد که عده زیادی از مردم جهان را درگیر کند تا بشر به استیصال رسیده و در طوفان این بلایا، منجی الهی را با تمام وجود طلب کند. اما به هیچ وجه نابودی نسل بشر ممکن نیست و هر نظریه ای در پوشش علم که نابودی حتمی تمدن بشری را مطرح کند و به دنبال منجی آمریکایی برای آن باشد، خیالاتی در پوشش احتمالات علمی است.

کرونا و نشانه های افزایش منجی گرایی در جهان

این روزها در جای جای دنیا که همه انسان ها گرفتار ویروس کرونا هستند افکار و اندیشه ها متوجه یک منجی و نجات دهنده است. و همه اقرار دارند که عاجز از درمان و از بین بردن یک ویروس کوچک هستند. کشورهایی که قبل از آمدن ویروس کرونا خود را در فیلم های هالیوودی نجات دهنده جهان معرفی می کردند، با آمدن این ویروس بیشتر به ضعف خود و ضعف مدیریتی شان پی برده اند و اعتراف می کنند که کاری از دستشان بر نمی آید و می بینیم که با آمدن این ویروس در فضای حقیقی و مجازی مخصوصاً در توئیتر همه مردم دنیا دنبال امام زمان (عج) هستند و هشتگ هایی با عنوان (#The Promised Saviour) "ناجی موعود" به کرار مشاهده می شود و اذعان دارند باید یک انسان کامل که وعده آمدنش را داده اند بیاید و بتواند انسان ها را در برابر این ویروس و در برابر همه مشکلات و زشتی ها و پلیدی ها نجات دهد.

ویروس کرونا با همه بدی ها، خسارات و تلفاتی که داشت، به تعبیر فیلسوف آلمانی یورگن هابرماس توانست «آگاهی انسان مدرن را به ندانستنش بالا ببرد» و ناتوانی بشر و قدرت های پرمدعای غرب را بر آنها ثابت و عیان کند. جهان غرب با همه ادعاهایی که داشت، در کنترل و مدیریت کرونا وامانده است. آن فرهنگی که ادعا می کردند، آن تکنولوژی که به رخ جهانیان می کشیدند و آن حقوق بشری که از آن دم می زدند و همه ظواهری که روزی به آن افتخار می کردند درهم شکسته است! و این نوید بخش یک تحول جهانی است. تحولی که در آن انسان به یک معنویت عمیق روی می آورد و این تنها با اندیشه منجی گرایی محقق خواهد شد. امید به یک منجی جهانی تنها روزنه ای است که می تواند بشریت را از دنیا و تفکرات مادی آن نجات دهد و این، یعنی خط بطلانی بر اندیشه ماتریالیستی. دقیقاً مهمترین کاری که ویروس کرونا انجام داد این بود که اندیشه ماتریالیستی را به زباله دان تاریخ انداخت. وقتی کرونا همه دنیا را درنوردید و از شرق تا غرب عالم را درگیر بحران کرد، بسیاری از مردم که امیدشان را به علم و دانش

از دست داده بودند، دست به دامان معنویات و باورهای مذهبی شدند، تا خداوند نظری کند و منجی خودش را برای نجات انسان‌ها بفرستد.

چرایی افزایش منجی گرایی در جهان

در طول تاریخ بشریت، با توجه به اینکه ملتها دائما در انتظار منجی بعنوان یک دست قدرت الهی بودند اما شاید نیاز عمیق و گسترده ای که بشریت باید به حضور منجی می داشت احساس نمی شده است. امروزه فقر و بی عدالتی، گناه و فحشا، شکاف طبقاتی و مهمتر از همه اینها سوء استفاده قدرت‌ها از علم و بشریت، موجب شده که جامعه بشری دچار احساس خستگی، اضطراب و گرفتاری شده و احساس نیاز به یک دست نجات‌بخش در همه جای دنیا، اوج بگیرد. به ویژه با شیوع بیماری خطرناک موسوم به کووید ۱۹ ناشی از کرونا در جهان در رسانه های مختلف شاهد تضرع ملت‌های مختلف برای نجات یافتن از وضعیت موجود هستیم.

پیشرفت علم و صنعت در جامعه کنونی در عرصه های مختلف از زمین و هوا و دریا با همه امکانات تاکنون نتوانسته اند گره مشکلات بشریت را باز کنند و تحقق این آرزوی همیشگی بشر نیاز به دست قدرت الهی دارد. در همین زمینه با مراجعه به بیانات اخیر مقام معظم رهبری به مناسبت ولادت امام زمان (عج)، می توان چرایی گسترش گرایشات منجی گرایی را نیز دریافت کرد. معظم‌له در این بیانات در این باره فرمودند: « امروز بعد از آنکه بشریت مکاتب گوناگون و نحله‌های فکری گوناگون و مسلک‌های گوناگون را تجربه کرده -از کمونیسم تا دموکراسی غربی تا لیبرال دموکراسی رایج در دنیا؛ با این همه ادعایی که اینها دارند- احساس آسایش نمی کند؛ بشر با این همه پیشرفت‌های علمی حیرت‌آور که بکلی وضع زندگی را در جهان تغییر داده، احساس خوشبختی نمی کند؛ بشریت دچار فقر است، دچار بیماری است، دچار فحشا و گناه است، دچار بی عدالتی است، دچار نابرابری است، دچار شکاف طبقاتی بسیار وسیع است؛ بشر دچار سوء استفاده قدرت‌ها از علم است؛ قدرت‌ها از علم سوء استفاده می کنند، از کشفیات طبیعت سوء استفاده می کنند، از توانایی‌های استخراج‌شده‌ی از طبیعت سوء استفاده می کنند؛ بشر با اینها مواجه است؛ اینها موجب شده است که انسان‌ها در همه جای دنیا احساس خستگی کنند؛ احساس نیاز به یک دست نجات‌بخش کنند.»^{۱۳}

امروزه با شیوع کرونا نگاه ملت‌های مختلف به وجود و ظهور یک منجی نه تنها از خرافات عبور کرده بلکه یک مولفه بسیار مهمی شده تا جایی که رئیس جمهور آمریکا نیز دست به دعا برداشته و برای رفع گرفتاری‌ها به مدد خودش دعا می کند و این همان منظر منجی بودن است.

بحران کرونا و مسئله ظهور امام زمان (عج)

به تبع رشد موج و منحنی گرایشات منجی گرایی در دنیا به واسطه بحران کرونا، جامعه ایران به ویژه در میان اقشار مذهبی نیز تلاطم و انقلابی دیگر به وقوع پیوست و آن، تقویت و تعمیق باور به موضوع انتظار است. انتظار فرج و اعتقاد به ظهور امام عصر (عج) از باورهای مهم و ضروری مذهب تشیع است و گزاف نیست اگر بگوئیم این کشور امام زمانی هیچ‌گاه از رایحه و شمیم انتظار بقیه سلف اهل بیت پیامبر (ص) خالی نبوده است. اما در برهه‌هایی غلبه گرایشات

۱۳ - بیانات مقام معظم رهبری در ۱۳۹۹/۰۱/۲۱ به مناسبت نیمه شعبان

مادی گرایانه، بروز مشکلات و چالش‌هایی در زندگی روزانه و تلاش خستگی‌ناپذیر و برنامه‌ریزی‌های شیاطینی بزرگی چون آمریکا در حوزه جنگ نرم جهت ارائه تصویری وارونه از موضوع انتظار و منجی‌گرایی در بسته‌های موهوم آرماگدونی، گاهی موجش برخی از مسلمانان را نیز با خود برده و این باور را به مرور در اذهان عده‌ای ممکن است سست کرده باشد که با رخداد بزرگترین بحران بشری به نام کرونا، موج گرایش منجی‌گرایانه این باور تقویت شده و با افتخار به یک احساس نسبتاً عمومی تبدیل شده است.

در روایات آمده است که بستر ظهور امام زمان (عج) زمانی فراهم می‌شود که مردم جهان از مکاتب بشری ناامید شوند و آمدن منجی را انتظار بکشند. ممکن است سوال شود که این خواست و امیدی که بعد از کرونا در جهان به وجود آمده، آیا ارتباطی با ظهور امام عصر (عج) دارد؟ و آیا توسل به امام زمان (عج) می‌تواند ما را از بحران کرونا خارج کند؟

قاعده این است که بر اساس آیه شریفه "ان الله لا یغیروا ما بقوم حتی ینقضوا ما بانفسهم"^۴ تا وقتی مردم خودشان نخواهند تغییری در جهان رخ نمی‌دهد و تا طلب آمدن منجی وجود نداشته باشد و این اعتقاد در سطح جهانی صورت نگیرد، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم حضرت ظهور کنند. حالا نمی‌گوییم همه مردم جهان، ولی غالب افکار و به خصوص آن‌هایی که اهل اندیشه و فکرنند، اگر در این مسیر حرکت کنند، بستری برای تغییر جهانی که انتظارش کشیده می‌شود فراهم خواهد شد. از این منظر، این بحران نقطه شروع خوبی است برای بیداری مردم جهان، ولی متغیرهای مقطعی و کوتاه نمی‌تواند برای انسان تغییر عمده‌ای ایجاد کند. مردم ممکن است دعا کنند و خدا هم دعایشان را اجابت کند، ولی این کافی نیست و انسان‌ها باید بفهمند که راه نجات و سعادت، اطاعت از دستورات الهی است و باید مسیرشان را عوض کنند که این احتیاج به معرفت راسخ‌تری دارد. نگاهی به حوادث ناگوار چند وقت اخیر از قبیل سیل، زلزله، کشتار فجیع و بی‌رحمانه مسلمانان باعث شده ذهن بشر را به سمت آخرالزمان ببرد، از این رو، عده‌ای در فضای مجازی و حتی در دنیای واقعی، این رخدادها را به نام آخرالزمان منعکس می‌کنند.

حالا این روزها با شیوع کرونا که همه کشورهای جهان را درگیر کرده، عده‌ای را برآن داشته تا کرونا را به آخرالزمان گره بزنند، اما آیا شیوع کرونا و مرگ تعداد زیادی از مردم جهان، از علائم ظهور امام زمان (ع) است؟ حوادث و بلاها و امراضی در طول تاریخ مکرراً با شدت و ضعف محقق شده است و به هیچ وجه نمی‌توان آن را به عنوان یکی از علائم ظهور و یا قریب الوقوع بودن آن دانست. علائم ظهور از امور و اختیارات تام خدا است و باید به آنچه که در منابع معتبر آمده اکتفا شود و بر حسب متون دینی حوادث این زمان از علائم ظهور شمرده نشده بنابراین اضافه نمودن از مصادیق قول بغیر علم و بلکه از موارد تحریف دین است. چنین حوادث و بلاها و امراضی در طول تاریخ مکرراً با شدت و ضعف محقق شده است و به هیچ وجه نمی‌توان آن را به عنوان یکی از علائم ظهور و یا قریب الوقوع بودن آن دانست. از علائم انتظار واقعی آن است که از تحریف دین جلوگیری شود و ذهن جامعه و جوانان را بدون دلیل متوجه امور غیر واقعی ننماییم و هر حادثه‌ای ولو عجیب و سهمگین را نمی‌توان از علائم ظهور دانست.

پیش از ظهور امام عصر (عج) دو نوع علامت داریم؛ اول علائم حتمی و دوم علائم غیر حتمی ظهور. علائم حتمی ظهور مثل خروج سفیانی، یمانی، قتل نفس زکیه و صیحه آسمانی هستند که ظهور امام عصر (عج) در گرو این علائم است و زمانی که این علائم حاصل شود، ظهور امام، حتمی خواهد بود. سایر علائمی که برخی از بزرگان ذکر کرده اند، علائم غیر حتمی است.

علائم ظهور اعم از حتمی و غیر حتمی اینطور نیست که همیشه متصل به ظهور باشند. بسیاری از مسائل مانند بیماری‌ها که اکنون شاهدش هستیم، جنبه قطعی ندارد. وقتی این علائم را می‌بینیم، نمی‌توانیم بگوییم بعد از این علائم ظهور اتفاق می‌افتد. علائمی که در روایات است نمی‌توانیم تطبیق قطعی بدهیم. البته به عنوان احتمال می‌توان گفت، اما به عنوان قطع خیر.

نکته دیگر اینکه حوادث مرتبط با قبل از ظهور امام زمان (عج) مانند بهم ریختگی بهداشت، امنیت، اقتصاد، وضع اعتقادات و دیانت مردم، ضعف حکومت‌ها، کشتار و... ارتباطی با حاکمیت امام زمان (عج) ندارد؛ یعنی این رخدادها برای قبل از حکومت امام (عج) است و نمی‌توانیم اینها را به حساب ظهور بگذاریم. این موارد مربوط به حکومت‌های ظالم است که بر اثر جنایت‌های آن‌ها و برخی امور دیگر چنین مشکلاتی برای جوامع رخ می‌دهد. سالهاست جنایات آمریکا علیه بشریت را در بسیاری از کشورها مثل یمن، سوریه، افغانستان و همینطور ظلم و فساد و نسل کشی‌ها در گوشه گوشه جهان را مشاهده می‌کنیم. هر روز در یک گوشه‌ای از جهان مخصوصاً مسلمانان گرفتار قتل می‌شوند؛ یک روز در هند، یک روز در عراق و افغانستان و روز دیگر در یمن و فلسطین، بالاخره این اوضاع کشتار، ناامنی‌ها و جنگ‌ها در روایات آمده است. اما نمی‌توان آنها را به حساب ظهور گذاشت.

از مجموع روایات بر می‌آید که خونریزی و کشتار زیادی رخ می‌دهد و این کشتار از کجا شروع می‌شود، چه کسانی پشت پرده هستند و به کجا ختم می‌شود، خیلی مشخص نیست. ولی به هر حال وقتی انسان‌های جانی دنیا را اداره کنند که منافعشان برایشان مهم باشد و جان مردم برایشان بی‌ارزش باشد، مشخص است که دست به کشتار هم می‌زنند. جنبه دیگر قضیه این است که کشتار مردم گاهی بر اثر جنگ است که روایات متعددی دارد، اما گاهی بر اثر جنگ نیست، مرگی است که از آن در روایات به "موت ایض" تعبیر شده است.^۵ در روایتی از امام علی (ع) درباره مرگ سفید سؤال می‌کنند. امام (ع) فرمود: دو نوع مرگ قبل از ظهور است؛ نوع اول "مرگ سفید" و نوع دوم "مرگ قرمز". بعد امام بیان کرد: مرگ قرمز به معنای کشتاری مثل جنگ است، اما موت ایض (سفید) مثل طاعون است.

در روایت دیگری است که امام (عج) زمانی خروج می‌کند که مردم دیگر مأیوس شوند. البته لزومی بر مطابقت بر شرایط جهان نیست، اما باید دید مردم چطور در برابر یک بیماری که می‌گویند خطرش از زکام کمتر است به هراس افتاده و تمام جهان را درگیر کرده است. از امام کاظم (ع) روایت داریم که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: از علائم ظهور و قیامت، مرگ‌های ناگهانی و جذام، یعنی بیماری‌های واگیردار است. از علائم دیگر اینکه انسان بدون درد بمیرد، فرض کنید یک تب مختصر می‌کند و می‌میرد!

۱۵- قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۵۲

۱۸- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۹

امروزه به خاطر ویروس کرونا همه مساجد حتی مسجد الحرام تعطیل شده است یا تعداد معدودی در آن حضور دارند. مسجد الحرامی که عزت مسلمانان است و چند میلیون نفر در آن جا می‌گیرد. ایران اسلامی هم یکی از کشورهای دنیا است که درگیر این ویروس شده است. حوزه‌های علمیه در ایران و عراق تعطیل شده است. در کشورهای اروپایی مراکز و تجمعات تعطیل شده است. ممکن است این موضوع همان اموری باشد که در روایات به آن اشاره شده است. حال چه این علائم مربوط به ظهور باشد یا نباشد وظیفه مومنان ضمن عمل به تکالیف دینی، تلاش برای فراهم کردن زمینه برای ظهور امام عصر(عج) می‌باشد.

وظایف مومنان و زمینه سازی برای ظهور

در مسئله انتظار دو وظیفه عام و خاص بر عهده منتظران است وظیفه عام این است که همه منتظران باید وظایف دینی و شرعی خود را انجام دهند و امور عبادی خود را به بهترین وجه انجام دهند، همچنین در عرصه های اقتصادی و اجتماعی تلاش کنند و آنچه از نظر اجتماعی و اقتصادی جزء معارف دینی است را انجام دهند و به دنبال پی ریزی تمدنی اسلامی باشند تا این تمدن در زمان ظهور حضرت حجت بتواند ایشان را در زمینه تحقق اهداف خود که همان برقراری عدالت و از بین بردن ظلم است یاری کند.

اما اسلام وظیفه ای خاص را هم بر دوش شیعیان قرار داده است، شیعه اثنی عشری اعتقاد دارد که امام زمان زنده است و اعمال او را رصد می کند لذا باید با حضرت حجت ارتباط قلبی برقرار کند و غیبت حضرت را مانعی برای ایجاد ارتباط روحی و معنوی با آن حضرت نداند هر چند امکان ارتباط ظاهری با آن حضرت فراهم نیست اما ارتباط قلبی و عاطفی با ایشان ممکن است. نباید تنها به دعای زبانی برای تعجیل در ظهور بسنده کرد. در ابعاد فردی باید متخلق به آموزه های اخلاقی اسلام بود و در ابعاد اجتماعی هم باید به ممنوع خود کمک کرد و یا مشکلات مردم را حل کرد. این روزها که بیماری کرونا همه گیر شده، هر فردی می تواند دست و بازوی امام عصر(عج) برای یاری رساندن به عموم مردم باشد و مشکلات مردم را حل کند. چنین فردی می تواند ادعا کند که منتظر ظهور مهدی موعود است و پس از ظهور هم کمک رسان امام خود خواهد بود. به همین علت برای ایجاد جامعه مهدوی باید هم خودسازی کرد و هم به قدر توان دگر سازی و جامعه پردازی نمود تا به تعبیر رهبر معظم انقلاب محیط پیرامونی برای ایصال به تمدن نوین اسلامی و جامعه آرمانی مهدوی آماده شود. جامعه مهدوی همان آرمان شهر گمشده بشری است که سرشار از قسط، عدالت، معنویت، معرفت و برادری و عزت است.

مهمترین وظیفه منتظران در عصر غیبت، زمینه سازی ظهور است و همه مسئولیت ها در این کلمه جمع است. باید اعتقاد داشته باشیم که ما مضطر به امام زمان(عج) هستیم و بدون امام زمان(عج) زندگی ما زندگی نیست. همه خوبی ها در امام زمان(عج) جمع است و همه خسارت ها در عصر غیبت است. بنابراین باید تمام همت مان را به کار ببریم تا زمینه های تحقق حکومت مهدوی و فضای مطلوب را فراهم کنیم.

بدون تردید عشق و محبت به امام عصر(عج) و رهروی حقیقی راه ائمه اطهار، در واقع زمینه ساز عشق و علاقه به خداوند متعال است و رسیدن به قله کمال معنویت و قرب الهی بدون دوستی اولیاء الهی و اهل بیت عصمت و طهارت ممکن نیست. امروز در قبال این همه جنایات و قتل و خونریزی آمریکا و صهیونیست های اشغالگر و هم پیمانان غربی و

برخی از کشورهای مرتجع عربی در حق مردم مظلوم و ستمدیده یمن، فلسطین، میانمار، بحرین، سوریه و سایر مناطق، همه مسلمانان جهان و عدالت خواهان دنیا موظفند با الهام از سیره عدالت گسترانه و ظلم ستیزانه امام عصر (عج)، به یاری مظلومان بشتابند و آنها را از شر همه نیروهای شیطانی و استکباری نجات دهند. امروز همه دلسوزان و علاقمندان به اسلام عزیز موظفند اندیشه مهدویت را بخوبی برای مخاطبان جامعه امروزی با شیوه‌های مناسب و کاربردی تبیین ساخته و آن را به عنوان محور مشترک همه مذاهب اسلامی و ادیان الهی معرفی نمایند.

در این راستا، دولت اسلامی با استفاده از امکاناتی که در اختیار دارد، باید سیاست گذاری‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی جامعه را به گونه‌ای مدیریت و سازمان‌دهی کند که به اصلاح و تغییر نگرش‌های غیردینی بینجامد و با برنامه‌ریزی و به کارگیری سازوکارهای لازم، فضای فکری حاکم بر جامعه را مهندسی کند، به گونه‌ای که این انگیزه‌های مذهبی در جامعه تحکیم یابد و مردم به سوی ارزش‌های دینی سوق داده شوند. در چنین فضایی، زمینه برای شکوفایی اندیشه انتظار فراهم می‌شود و مردم با رغبت و اشتیاق بدین سو حرکت می‌کنند.

نتیجه گیری

دشمنان اسلام و انسانیت که همواره در ترس از حاکمیت عدل و انسان کامل به سر می‌برند، از یک سو با ساخته و پرداخته کردن سؤالات و شبهات، تلاش دارند که یا اعتقاد به ظهور منجی را در دل آدمیان سست کنند؛ و از سوی دیگر با تحمیق رسانه‌ای و ساختن فیلم‌های سینمایی، چهره‌ای هولناک از آن مرد الهی بیافرینند! حقیقتاً کرونا شمه‌ای از آخر دنیا بود و فرد مبتلا به آن با تمام وجود مظاهر قیامت را مشاهده می‌کرد، همه از یکدیگر فرار می‌کنند، دیگر خبری از صله رحم، دید و بازدید و حتی عیادت نزدیک ترین و دلبندترین اقوام نیست!

مگر در قرآن نفرمود: "يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ"^{۱۷} قیامت روزی است که شخص از برادر خود فرار می‌کند از مادرش فرار می‌کند از پدرش فرار می‌کند. از رفیقش فرار می‌کند حتی از فرزندش فرار می‌کند. آن روز هر کس گرفتار خودش است و رایحه‌ای از آن روز را ما امروز در شیوع کرونا و ویروس دیدیم. واقعا می‌توان در پرتو این آموزه‌های نورانی به یاد قیامت افتاد و از ورای عینک ماده‌گرایی صرفی که بر چشم داریم، نگاهی نافذ و بصیرانه به موضوعات انداخت و درس‌ها و عبرت‌ها گرفت. با چنین منظری، این ویروس هم وسیله تنبه و بیداری خواهد شد.